

**یکپارچه سازی ملی در استان خوزستان
باتاکید بر نام گذاریهای جغرافیایی**

نویسنده: مراد کاویانی راد

نشانی : تهران بزرگراه شهید چمران، تقاطع جلال آل احمد، پل گیشا، دانشگاه تربیت
مدرس، دانشکده علوم انسانی، گروه جغرافیا.

تلفن ۳ - ۶۹۴۵۲۳۲

داخلی ۵۰۴

E-MAIL kavianirad2000@yahoo.com

E-MAIL: kaviani@modares.ac.ir

چکیده: در میان کشور های مختلف جهان کمتر ملتی وجو دارد که از حیث تجانس ملی همگون باشد. از این رو یکی از مشکلات این کشورها شیوه برخورد حکومت مرکزی با این تنوع است. کشور ایران در طول تاریخ چند هزار ساله خود ملتی چند قومیتی با محوریت قوم فارس بوده است. پراکندگی اقوام ایرانی در حاشیه مرز و کشیده شدن دنباله قومی این اقوام به خارج از کشور از جمله مشکلات حکومت مرکزی در روند یکپارچه سازی ملی پس پیدایش دولت مدرن در ایران در طول یکصد سال اخیر بوده است.

ایران به باور بسیاری از صاب نظران قربانی یک جغرافیای دشوار (در راستای یکپارچه سازی ملی) بوده است. تنوعات قومی، سرزمینی موقعیت ژئوپلیتیکی بی همتا زمینه دخالت قدرت های منطقه ای و فرا منطقه ای را جهت اخذ امتیازاتی از حکومت مرکزی ایران را فراهم ساخته است. از جمله اقوام ایرانی که دنباله قومی آن به خارج از کشور کشیده شده و زمینه دخات بیگانگان را در این سرزمین مهیا ساخته اقلیت قومی عرب خوزستان است. دولت عراق متاثر از یک سری عوامل جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیکی حمایت از این اقلیت را بهانه ساخته و بارها در امور داخلی ایران به دخالت پرداخته است.

در این مقاله نویسنده بر آنست که به توضیح شرایط جغرافیای دشوار کشور و عواملی (جغرافیای و انسانی) را که زمینه دخالت عراق را در استان خوزستان فراهم ساخته، بپردازد. و در پایان پیشنهاد های متناسب با موضوع ارائه دهد.

واژگان کلیدی: اقوام ایران، سازمان دهی سیاسی فضا، خوزستان، عراق

مقدمه:

در میان کشور های گوناگون جهان کمتر دولتی وجود دارد که فاقد تنوعات قومی باشد. دولتها

برحسب عوامل مختلف جمعیتی، موقعیت جغرافیای، تاریخی، قانون اساسی، میزان توانایی جنبش های ناحیه گرا و دخالت قدرت های منطقه ای و فرمانطقه ای در برخورد با این ناهمگونی ملتی در عرصه قومی و زبانی سیاست های متفاوتی در پیش می گیرند..

ملت ایران در طول تاریخ متشکل از اقوام مختلفی بوده اند. باتوجه به این حقیقت که مرز های سیاسی ایران دست کم تا اوایل همین سده شناور بوده، بسیاری از این اقوام در پیرامون کشور (پس از پیدایش دولت مدرن) پراکنده، و دنباله قومی آنها به خارج از کشور کشیده شده که بعضاً هم دارای دولت های شده اند، از این رو حفظ یکپارچگی سرزمینی و یکپارچه سازی ملی در صد سال گذشته یکی از مسائل عمده در بعد امنیت ملی برای مدیران سیاسی کشور بوده است.

دراین مقاله نویسنده ضمن بیان ویژگیهای جغرافیای - سیاسی ایران، جایگاه راهبردی استان خوزستان در سطح ملی، بررسی وضعیت قوم عرب در این استان و همچنین عوامل تأثیرگذار در جهت دهی به برنامه های ملی به منظور حفظ یکپارچگی سرزمینی، توسط دولت مرکزی که منجر به تغییر اسامی عربی شهرهای ناصری به اهواز، محمره به خرمشهر، عبادان به آبادان، معشور به ماهشهر، فلاحیه به شادگان و خفاجه به بستان شد، می پردازد.

قرار گاه جغرافیای ایران

کشور ایران در جنوب شرقی آسیا در بخش باختری فلات ایران واقع شده است. فلات بزرگ ایران در میان دره های پهناور و گسترده رود سند درخاور رودهای فرات و دجله، همچنین با فلات تبت و آناتولی که به ترتیب در خاور و باختر آن قرار دارند، آسیای شمالی را از شبه جزیره عربستان و شبه قاره هند جدا می کند.

دو قوس کوهستانی به درازای بیش از ۲۵۰۰ کیلو متر فلات ایران را فرا گرفته اند، زنجیره کوهستانهای البرز واقع در شمال ایران استانهای گیلان، مازندران و گلستان را از مانده سرزمین ایران جدا می کند. بخش محدب آن رو به جنوب دارد. جز دره سفید رود هیچ گذری از آن به فلات ایران راه نمی برد، بخش خاوری این قوس کوههای پراکنده و کم ارتفاع خراسان است.

قوس دوم که قوس باختری- خاوری است شامل چین خوردگی های پیرامونی کوههای لرستان و

جنوب فارس لارستان، قوس اصلی یعنی رشته جبال زاگرس به درازای ۱۸۰۰ کیلو متر و پهنای میانگین ۲۵۰ کیلومتر بلندیهای مرکز ایران از خاورارومیه تا جنوب کرمان و بلندی های مشرف بر قم، کرمان و یزد و در پایان بلندیهای موجود در شمال باختری (سهند و سبلان) و جنوب خاوری ایران (مخروطه های آتشفشانی) است.

عمده ترین جلگه ایران در حاشیه بیرونی فلات در پای کوههای البرز و زاگرس گسترش یافته است، جلگه های باریک و کم پهنای هستند که از همه آشناتر جلگه های جنوبی دریای خزر که حدود ۲۷ متر پایین تر از سطح دریای آزاد افتاده و در باختر و خاور گسترش می یابند. در کرانه جنوب فلات هم این وضع تکرار می شود در باختر جلگه آبرفتی خوزستان که ساحل رسوبات کرخه، کارون و تا حدودی اروندرود است. در خاور کشور هم جلگه ساحلی دشتیاری در بلوچستان در کنار مرز پاکستان قرار دارد (کفاش جمشید، ۱۳۷۵، ۶۷).

موقع عمومی و سیاسی ایران یعنی قرار گرفتن آن در آسیای جنوب باختری آشکارا در وضع سیاسی و در نتیجه نوسانات مرز سیاسی و پس و پیش رویهای آن موثر بوده است. آسیای جنوب غربی در واقع منطقه ای است که میان سه قاره آسیا، آفریقا و اروپا جای گرفته و ایران در این منطقه به وضوح از رویدادهای سه قاره متأثر بوده است. زیرا هر گونه ردویداد در روابط و مراودات فرهنگی، سیاسی، نظامی که میان این سه قاره روی دهد ناگزیر عوارضی در ایران به بار می آورد. همچنین ایران در گذرگاه کانون های تمدنی کهن و نوین قرار داشته است (ترابی، ۱۳۷۸، ۵۱۰). از روزگاران کهن ایران میان کانونهای تمدنی مصر، یونان، مدیترانه، میان رودان (بین النهرین)، فرارود (ماورالنهر)، قفقاز، پنجاب قرار داشته، نیرو گرفتن و گسترش هر یک از این کانونها همه شئون این کشور و حتی مرزهای سیاسی آن تاثیر می گذارده است.

سازمان دهی سیاسی فضا در ایران

مرز های سیاسی ایران در گذر تاریخ تا اوایل همین سده شناور بوده اند. به گونه ای که زمانی گستره سرزمینی آن در دوران هخامنشیان یک چهارم خشکی های جهان را در بر می گرفت، و گاهی

نیز شامل مناطق ویژه ای از این سرزمین می شد. بنا بر اسناد تاریخی ایرانیان نخستین ملتی بودند که جهت اداره بهتر گستره سرزمینی شان در عصر هخامنشیان به سازماندهی سیاسی فضا روی آوردند. گوناگونی قومی، انسانی و پهناوری این گستره سرزمینی گونه ویژه ای از سازماندهی سیاسی فضا را نیاز داشت که بتوان این سرزمین پهناور را اداره کرد. در حقیقت نظام سیاسی این دوره از تاریخ ایران مبتنی بر گونه ای از فدرالیسم سیاسی بود. ساتراپ های (ایالات) کشور از نوعی خود مختاری داخلی برخوردار بودند. سازمان دهی سیاسی فضا در درازای تاریخ ایران همواره وجود داشته است. عواملی نظیر تنوع قومی، حفظ یکپارچگی سرزمینی، گسترش سرزمینی، دخالت بیگانگان، دفاع در برابر دشمن و اداره بهتر سرزمین سازمان دهی سیاسی فضا را در ایران متأثر ساخته اند.

پیدایش حکومت مدرن در ایران متأثر از تحولات فکری و فرهنگی باختر زمین، لزوم یکپارچگی سرزمینی، تنوع قومی، مذهبی و زبانی، فروپاشی امپراطوری عثمانی و پیدایش کشور های نو بدون هیچ گونه پیشینه تاریخی، وجود ابر قدرت روسیه در شمال و ابر قدرت انگلستان در جنوب، و به طور کلی مداخلات بیگانگان در امور داخلی ایران و همچنین تأثیرپذیری قانون اساسی کشور از قانون اساسی فرانسه و بلژیک که نظام های سیاسی تمرکزگرا داشته اند، نظام سیاسی کشور را به سوی گونه ای خاص از تمرکز سیاسی پیش برد.

در دهه اخیر فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی نیز سازمان دهی سیاسی فضا در ایران را متأثر ساخت، به گونه ای که چالش های ژئوپلیتیکی نوینی در مرز های شمالی کشور به ویژه در همسایگی جمهوری آذربایجان برای ایران شکل گرفت. پیدایش جمهوری آذربایجان که بخش عمده ای از تاریخ این جمهوری با ایران یکسان است، و نیز کوشش این جمهوری در باز تعریف مجدد از خود، رواج اندیشه های پان ترکیستی و پان تورانیستی با توجه به این حقیقت که بخش بزرگی از مردم ایران ترک زبان اند از دیگر عواملی خواهد بود که در شرایط کنونی و آینده موزاییک سیاسی سرزمین را متأثر می سازد. (احمدی، ۱۳۷۹، ۲۷۹) در ایران جنبش های ناحیه گرا عمدتاً در طول دورانهای گذار سیاسی با دخالت عنصر بیگانه پویایی داشته و پس شکل گیری و توانایی مجدد

حکومت مرکزی رو به خاموشی نهاده اند.

اقلیت عرب استان خوزستان پس از پیدایش کشور عراق که رهاورد رقابت استعمار انگلستان و فروپاشی امپراطوری عثمانی بود، همواره یکی از اهداف حکومت عراق جهت دخالت در امور داخلی ایران بوده، دولت عراق متأثر از برخی عوامل سیاسی و جغرافیایی این منطقه از کشور را آماج دخالت های خود در طول حیات سیاسی خود از بدو پیدایش قرار داده است. در ادامه به بررسی ریشه این مداخلات و آثار آن بر یکپارچگی سرزمینی ایران می پردازیم.

جغرافیای سیاسی عراق

پیدایش کشور عراق در باختر ایران محصول رقابت و منافع درازمدت انگلستان در خاورمیانه و فروپاشی امپراطوری عثمانی بوده است. این کشور از سه بخش جمعیتی جداگانه تشکیل شده که هر یک از این مناطق شناسه های جمعیتی و جغرافیای ویژه خود را دارند.

۱- منطقه شمالی کرد نشین: این منطقه کوهستانی از عراق شامل قوم کرد با بیش از ۲۰٪ جمعیت عراق است. عمده مناطق نفت خیز عراق در این منطقه قرار دارند. بزرگترین مانع در راه یکپارچگی ملی عراق بوده اند.

۲- منطقه میانی: این بخش از خاک عراق دربرگیرنده جمعیت اهل سنت و عرب است که از بدو پیدایش کشور عراق تاکنون هسته اصلی حکومت مرکزی را در اختیار داشته و بالاترین مقامات از میان آنها بوده اند. جمعیت این منطقه از عراق را ۲۰٪ برآورد می نمایند.

۳- منطقه جنوبی: این بخش از خاک عراق شامل جمعیت عرب و شیعه مذهب این کشور است. نزدیک به ۶۰٪ جمعیت عراق می گردد. به زعم جمعیت زیاد در ساختار حکومت مرکزی عراق جایگاه مستحکمی در ساختار حکومتی این کشور نداشته اند. این منطقه از عراق دارای مرز مشترک با استان خوزستان ایران است. که از سمت جنوب با خلیج فارس هم مرز است. مردم شیعه مذهب عراق پیوند بسیار نزدیک فرهنگی با مردم شیعه مذهب ایران داشته اند.

همچنان که اشاره رفت پیدایش کشور عراق محصول خواست ملی این کشور نبوده است. ناهمگن بودن جمعیت این کشور نیز ریشه در این واقعیت تاریخی دارد. از جمله مشکلات

حکومت مرکزی در عراق عدم توانایی آن در ایجاد پیوندهای لازم در میان مناطق مذکور است. در این مناطق بسیاری از جنبش های ناحیه گرا شکل گرفته، که با سرکوب شدید حکومت مواجه شده اند. به واسطه همین ناهمگونی جمعیتی، عراق بارها جهت اخذ امتیازاتی مورد استفاده قدرت های منطقه ای و فرامنطقه ای قرار گرفته است.

یکی از بزرگترین مشکلات عراق عدم دسترسی مناسب به کرانه های ساحلی در خلیج فارس است. این تنگنای ژئوپلیتیکی از آغاز تأسیس این کشور تاکنون مورد اعتراض مقامات عراقی بوده، این تنگنای ژئوپلیتیکی در رفتار سیاست خارجی این کشورگونه ای رفتار تهاجمی ایجاد کرده که تحمیل دو جنگ بر کشورهای کرانه خلیج فارس (ایران و کویت) در راستای گریز از این شرایط جغرافیایی بوده است.

ویژگی های جغرافیایی خوزستان

از جهت طبیعی بخش بزرگی از این استان شامل جلگه خوزستان است. در این جلگه پر آب ترین رود های ایران روان هستند. شرایط اقلیمی مساعد، خاک آبرفتی حاصلخیز و وجود چند رود بزرگ کشور در این استان رونق بسیاری به کشاورزی آن بخشیده است. به نحوی که این منطقه از ایران تمدن های بزرگی در طول تاریخ شکل گرفته اند. در شرایط کنونی هم این استان یکی از مناطق قطبی کشور از بعد کشاورزی به شمار می رود. صنایع بزرگ مربوط به فراورده های کشاورزی در این استان فعال بوده اند.

کشف منابع و ذخایر بزرگ نفتی در این استان، ایران را در زمره یکی از صادر کنندگان بزرگ نفت قرار داده است. به گونه ای که امروزه بخش اعظم از درآمد ملی از گذر صادرات نفت حاصل می آید.

از دیگر ویژگی های این استان واقع شدن در کنار کرانه شمالی خلیج فارس است که این ویژگی جغرافیای در امر صادرات نفت، فراورده های نفتی و صادرات محصولات کشاورزی به این استان اهمیت چند برابری داده است.

تنوع قومی ایران:

ایران یکی از ناهمگون‌ترین کشورهای خاورمیانه از دیدگاه تجانس جمعیتی است. تنوع قومی (فارس، ترک، کرد، لر، بلوچ، عرب و ترکمن) و زبانی از جمله مولفه‌های واگرایی در این کشور به شمار می‌روند. علی‌رغم این تنوع عوامل گوناگونی همانند دین اسلام، زبان فارسی، تاریخ مشترک و آداب و رسوم مشترک ملت ایران را به هم پیوند زده‌اند (جلایی پور، ۱۳۷۶، ۵۰۲).

در طول یک صد سال گذشته هر قدرت منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای که به دنبال ناامن سازی امنیت ملی ایران بوده به مقوله واگرایی‌ها و شکاف‌های قومی، مذهبی و زبانی در این کشور دامن زده است.

جمعیت خوزستان

حضور اعراب در گستره سرزمینی ایران به دوران باستان یا پیش از اسلام می‌رسد. از آن زمان تاکنون بخشی از ملت ایران به ویژه در استان خوزستان اعراب بوده‌اند. مذهب آنان شیعه دوازده امامی (همانند اکثریت ملت ایران که نزدیک به ۹۰٪ آنان مسلمان شیعه‌اند). از دیگر گروه‌های جمعیتی استان لر‌ها هستند که در چندین شهر استان ساکن‌اند. در طول یک صد سال گذشته در اثر رشد و گسترش صنایع و فعالیت‌های در زمینه نفت و امور مرتبط با آن مهاجرت‌های بسیاری از مناطق مختلف کشور به این استان انجام شده است.

دخالت عراق در امور داخلی ایران

آنچنان که اشاره رفت ایران کشوری نا متجانس از بعد همگونی ملتی است. هر کشوری که خواستار بی‌ثبات کردن امنیت داخلی جهت گرفتن امتیازاتی از آن باشد از این عامل استفاده می‌کند. تاریخ صد سال گذشته این سرزمین گواه بر رویدادهای سیاسی متأثر از دخالت بیگانگان در بهره‌برداری از این عنصر ناهمگونی ملتی بوده است.

با توجه به توضیحاتی که در مورد شرایط جغرافیای انسانی و تنگناهای ژئوپلیتیکی کشور عراق و همچنین ویژگی‌های جغرافیای انسانی و طبیعی استان خوزستان ذکر شد، حکومت عراق همواره به دنبال تجزیه این بخش از کشور به بهانه‌های واهی از جمله دفاع از اعراب خوزستان بوده است. در صورت تصرف همه یا بخشی از استان این تنگنای ژئوپلیتیکی عراق رفع، و به باور بسیاری از صاحب‌نظران در صورت وقوع چنین رخدادی عراق به قدرتمندترین کشور منطقه خلیج فارس

تبدیل می شد. یکی از دلایل حمله عراق به ایران در شهریور ۱۳۵۹ حمایت از اقلیت عرب این استان بود. که در این راستا به تشکیل و تقویت گروهک های سیاسی وابسته از جمله جمعیت خلق عرب مسلمان پرداخت این گروه در اوایل انقلاب اقدام به انفجار لوله های نفت می کرد. در عصر سلطنت رضا شاه بنا بر گفته احمد کسروی «در آن روز هاروزنامه های عراق زبان به بیهوده گویی باز کرده و خوزستان را می نوشتند اماره مستقله عربیه و شیخ خزعل را سلطان عربستان می نامیدند» (کسروی، ۲۳۳، ۱۳۶۲)

کوشش به منظور یکپارچه سازی

در این زمان حکومت مرکزی متاثر از عوامل مختلفی که در بالا ذکر گردید در راستای حفظ یکپارچگی سرزمینی و یکپارچه سازی کشور تلاش بسیاری به عمل آورد. با عنایت به اینکه یکپارچگی حالت و یکپارچه سازی (که نتیجه تعادل بخشی به فرایندهای گریز از مرکز است) فرایندی پویاست، بنا براین یکپارچه سازی فرایندی است که به وسیله آن قلمروهای بزرگ پس از ادغام سرزمین های کوچکتر تابعیت و حمایت شهروندان آنها به دست می آورند. (درایسدال، ۱۹۸، ۱۳۷۳) براین اساس به منظور کاستن از فشار نیروهای گریز از مرکز و جلوگیری از دخالت نیروهای منطقه ای و فرامنطقه ای حکومت مرکزی ضمن سرکوب شیخ خزعل به عنوان نیروی گریز از مرکز که پشت گرم به کمک نیروهای فرامنطقه ای بود، به هدف یکپارچه سازی این منطقه با بدنه کشور کوشش فراوانی صورت گرفت. به دین جهت نام بسیاری از شهرها استان که به زبان عربی بود فارسی شدند. از جمله ناصری به اهواز، محمره به خرمشهر، عبادان به آبادان، معشور به ماهشهر، فلاحیه به شادگان و خفاجه به بستان (زمان رشیدیان، ۶۸، ۱۳۷۱) تغییر نام یافتند.

از آنجا که بسیاری از مناطق مختلف کشور در طول تاریخ بارها تغییر نام داده اند، ضروری است که متولیان امر ضمن کاوش های تاریخی در نام های گوناگون منطقه اسامی را برگزینند که نخست منطبق بر واقعیات جغرافیایی و تاریخی منطقه باشد دوم آنکه کمتر احساسات اقوام منطقه برانگیزد.

نتیجه گیری

یکپارچه ترین دولت ها، دولت های مبتنی بر ملت یا دولت های هستند که مردم آگاهی عمیقی از اشتراکات و تمایزات خود دارند. در ایران متأثر از عوامل ناهمواریها و وسعت زیاد جابجایی داخلی را با دشواری مواجه ساخته، و به پاره پاره شدن کشور تا سده کنونی کمک کرده است.

گرچه ملت ایران بیش از ۹۰٪ مسلمان شیعه هستند (درایسدال، ۲۱۱، ۱۳۷۳). ولی این کشور از نظر زبانی ناهمگن ترین کشور خاورمیانه و شمال آفریقا به شمار می رود. این تنوعات سرزمینی و قومی (که به چشم اسفندیار ایران معروف است) تا کنون بارها مورد بهره برداری کشورهای منطقه ای و فرمانطقه ای قرار گرفته، این موضوع در یک صد سال اخیر همواره یکی از دغدغه های خاطر متولیان امنیت کشور بوده است. بدین لحاظ کوشش بسیار توسط دستگاه های متولی امنیت و یکپارچه ساز کشور به عمل آمده است که بسیاری از این اقدامات با موفقیت قرین شده اند.

با توجه به ناتوانی دولت عراق در برقراری پیوند های لازم میان مناطق سه گانه کشور، و بهره برداری های که قدرت های منطقه ای و فرمانطقه ای از این موضوع داشته اند، همچنین تنگنای ژئوپلیتیکی این کشور در نبود دسترسی مناسب به کرانه های خلیج فارس، زمینه را برای دخالت عراق به بهانه حمایت از اقلیت عرب خوزستان فراهم ساخته است.

لذا حکومت مرکزی تلاش بسیار در جهت ادغام این منطقه با بدنه کشور به عمل آورد. و اسامی بسیاری از شهرها را از عربی به فارسی (با تاکید بر واقعیات تاریخی و بدون برانگیختن احساسات قومی اعراب این منطقه) برگرداند.

پیشنهادهای

با توجه به این حقیقت که ملت ایران ملتی ناهمگون از جهت قومی و زبانی است:

- ۱- شیوه برخورد حکومت مرکزی با همه اقوام نمی تواند یکسان باشد، لذا متناسب با وزن سیاسی هر کدام از این اقوام نوع رویکرد متفاوت باشد. ولی باید فرصت های برابر در اختیار همه اقوام

ایرانی (صرف نظر از قومیت و زبان) قرار گیرد.

۲- عدم تغییر برخی اسامی زیرا در صورت تغییر نام ها خود این امر در تقویت نیروهای گریز از مرکز موثر خواهد بود.

۳- تغییر اسامی باید در راستای حفظ وحدت سرزمینی کشور و بر پایه واقعیات تاریخی و جغرافیای منطقه باشد، زیرا در غیر این صورت اقدام به تغییر نام نواحی و نقاط مختلف خود به احساس جدایی گزینی سرزمینی دامن می زند.

۴- حکومت مرکزی زمینه مشارکت همه جانبه (اقتصادی، سیاسی و) را برای همه اقوام ایرانی به منظور تضعیف نیروهای گریز از مرکز و تقویت نیروهای مرکز گرا فراهم سازد.

فهرست منابع

- ۱- احمدی، حمید. قومیت و قوم گرایی در ایران. نشر نی. چاپ دوم ۱۳۷۹
- ۲- ترابی، محمد. گفتاری پیرامون هویت ملی ایرانیان. مجله سیاست خارجی ۱۳۷۶
- ۳- جلالی پور، حمید رضا. هویت ملی اقوام ایرانی در عصر خیزش قومیت ها. مجله سیاست خارجی. ۱۳۷۵
- ۴- درایسدال، آلاسدایر، و جرالد اچ بلیک. جغرافیای سیاسی خاور میانه و شمال آفریقا. برگردان دره میرحیدر. چاپ سوم ۱۳۷۳
- ۵- زمان رشیدیان، نیره، نگاهی به تاریخ خوزستان. چاپ سوم، انتشارات بوعلی. تابستان ۱۳۷۱
- ۶- کفاش جمشید، محمدرضا. پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی. دانشگاه امام حسین (ع) تابستان ۱۳۷۵
- ۷- کسروی تبریزی، احمد. تاریخ پانصد ساله خوزستان. انتشارات خواجه. چاپ اول زمستان ۱۳۶۲